



حزب‌الله این است | ۴
باتخریب و اهانت، فضای
گفت‌وگور افسود نکنید



کلام امام | ۴
از آینده انقلاب
نگران نیستیم اما...

همان خط خمینی

چهار روز بعد از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای
به جانشینی امام خمینی (ره) در خرداد ۶۸:
(«ما همان راهی را که آن بزرگوار رفت، ادامه خواهیم داد.»)



روایت رهبری | ۴



خدایم خواست بگوید باین شخصیت کار دارم

خاطرات رهبری | ۴



چرا امام به پیروزی انقلاب مطمئن بود؟

خبر هفته | ۴



وقتی نیمی از قلب امام از کار افتاده بود...

شهید هفته



این شهید در آسمان ایران درخشیدند | این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای ورامین در قیام ۱۵ خرداد

در پانزده خرداد سال چهل و دو مردم ورامین نشان دادند که در راه حقیقت و دفاع از حق و اسلام ایستاده‌اند؛ حتی به قیمت جانشان. آن روز هیچ‌کس گمان نمی‌کرد روزی خواهد رسید که این شهدای مظلوم و گمنام، مثل ستاره‌های درخشان، نه فقط در آسمان ورامین، بلکه در آسمان ایران اسلامی خواهند درخشید. ● ۸۲/۳/۲۲





همان خط خمینی

سخن هفته



(من همین الان خودم را یک طلبه‌ی معمولی و بدون برجستگی و امتیازی خاص می‌دانم؛ نه فقط برای این شغل با عظمت و مسئولیت بزرگ، بلکه - همان‌طور که صادقانه گفتم - برای مسؤلیت‌های به مراتب کوچک‌تر از آن، مثل ریاست جمهوری و کارهای دیگری که در طول این ده سال داشتم. اما حالا که این بار روی دوش من گذاشتند، با قوت خواهم گرفت؛ آن‌چنان که خدای متعال به پیامبرانش توصیه فرمود: «خذا یقوؤ» (۶۸/۴/۱۲). این جملات، بخشی از بیانات رهبر انقلاب در دیدار با ائمه جمعه‌ی سراسر کشور در تاریخ دوازدهم تیرماه ۶۸، یعنی حدود یک ماه بعد از انتخاب رهبری ایشان توسط مجلس خبرگان است. در طول این یک ماه اما بیشترین و پربرسام‌ترین مفهومی که آیت‌الله خامنه‌ای بر آن تأکید کرده‌اند، «امتداد راه و آرمان‌های امام» بوده است: «ما همان راهی را که آن بزرگوار [امام خمینی] رفت، ادامه خواهیم داد؛ زیرا بر ترو و الاثرو شیرین‌تر و مقدس‌تر و شایسته‌تر از آرمان‌های اوسراغ نداریم.» (۶۸/۳/۱۸)

اصول اساسی راه و مکتب امام

اما (وقتی که اعلام می‌کنیم راه امامان را قاطعانه دنبال خواهیم کرد، اولین تکلیف این است که ببینیم عناصر اصلی حرکت امام (ع) چه بود... ما که می‌خواهیم آن راه را دنبال کنیم و بر این نیت هم صادقیم، باید ببینیم که آیا آن شرایط را در خودمان ایجاد کرده‌ایم یا خیر؟) (۶۸/۳/۳۱) آیا در طول این سی و یک سال که از رحلت ایشان می‌گذرد، و آیت‌الله خامنه‌ای، زمامدار این حکومت شده است، همچنان انقلاب در مسیر اصول و آرمان‌های امام امتداد و تداوم یافته است یا خیر؟ رهبر انقلاب، پنج سال پیش، در دیدار ۱۴ خرداد ۹۴، در حرم امام خمینی (ع)، به هفت مورد مهم از اصول و مبانی «مکتب امام خمینی (ع)» اشاره کردند. این اصول عبارتند از:

۱. **تأکید بر اسلام ناب محمدی**: امام، اسلام ناب را در مقابل اسلام آمریکایی قرار داد. اسلام آمریکایی چیست؟ یکی اسلام سکولار، یکی اسلام متحجر؛ لذا امام، آن کسانی را که تفکر سکولاری داشتند - یعنی دین را، جامعه را، رفتار اجتماعی انسان‌ها را، جدای از اسلام می‌خواستند - همواره در ردیف کسانی گذاشت که نگاه متحجرانه‌ی به دین داشتند.

۲. **اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر**: اعتقاد به وعده‌ی الهی، به صدق وعده‌ی الهی - که فرموده است «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» - یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار ما است؛ باید به این وعده اعتماد و اتکال کرد. از میان نمونه‌های متعدد بی‌اعتمادی امام را حل به دشمن، می‌توان به ماجرای ردّ پیشنهاد آمریکا به ایشان برای پایان جنگ اشاره کرد؛ در یک مورد دیگر، یک وعده‌ای در مورد پایان جنگ تحمیلی، یکی از دولت‌های وابسته‌ی به

آمریکا داده بود، بحث صد‌ها میلیارد یا هزار میلیارد در میان بود، امام اعتنائی به آن نکردند، اعتماد نکردند.

۳. **اعتقاد به اراده‌ی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی**: در آن روزها سعی می‌شد به خاطر یک برداشت نادرست، همه‌ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موکول و وابسته شود؛ امام بارها و بارها هشدار می‌داد که این مسائل را به مردم بسپارید؛ اعتماد به مردم داشت در مسائل نظامی. در مسائل سازندگی کشور، تکیه‌ی به مردم، که جهاد سازندگی را به راه انداخت؛ در مسائل تبلیغات، تکیه‌ی به مردم؛ و بالاتر از همه مسئله‌ی انتخابات کشور و آراء مردم در مدیریت کشور و تشکیلات نظام سیاسی کشور.

۴. **حمایت از مجرومان و مستضعفان**: [امام] به معنای واقعی کلمه امام طرف‌دار عدالت اجتماعی بود؛ طرف‌داری از مستضعفان شاید یکی از پر تکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند... از آن طرف به مسئولان کشور هشدار می‌داد درباره‌ی خوی کاخ‌نشینی... این را امام مکرر می‌گفت که این کوخ‌نشینانند، این فقرایند، این محرومانند.

۵. **مخالفت با مستکبران جهان**: امام در مقابله‌ی میان قلدان و مستکبران و قدرت‌های زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه‌ی مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی‌تقیه این را بیان می‌کرد. طرف‌دار جدّی مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سر‌آشتی نداشت.

۶. **حفظ استقلال کشور**: استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت؛ این معنای استقلال است... متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی می‌کنند برای نفی استقلال کشور... امام معتقد به استقلال کشور بود، معتقد به ردّ سلطه‌ی [بر] کشور بود.

۷. **توجه به وحدت ملی**: امام بزرگوار ما از اوّل بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت، یک تکیه‌ی کم‌نظیر داشت که این یکی از خطوط است. امروز ما این خط را هم باید دنبال بکنیم. امروز شما می‌بینید در دنیا مسئله‌ی تفرقه‌ی دنیای اسلام یکی از سیاست‌های اصلی استکبار است.

تمامی این اصول، موضوعاتی است که بعد از امام خمینی (ع)، توسط رهبر انقلاب نیز با همان شدت و حدت پیگیری و تداوم یافته است که مصادیق عینی آن را می‌توان در موارد متعدد مشاهده کرد. در حقیقت، می‌توان اینگونه گفت که خطی مستقیم، از ابتدای انقلاب تا کنون، توسط امام خمینی (ع) و رهبر انقلاب برای جلوگیری از انحراف آرمان‌های انقلاب، و پافشاری دائمی بر اصول آن وجود داشته است. یک خط مستقیم، که خمینی و خامنه‌ای را به یکدیگر متصل کرده و گویی این دو، با یک سیره و روش واحد، رهبری این انقلاب را بر عهده گرفته‌اند. ●



”

خطی مستقیم، از ابتدای انقلاب تا کنون، توسط امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب برای جلوگیری از انحراف آرمان‌های انقلاب، و پافشاری دائمی بر اصول آن وجود داشته است. یک خط مستقیم، که خمینی و خامنه‌ای را به یکدیگر متصل کرده و گویی این دو، با یک سیره و روش واحد، رهبری این انقلاب را بر عهده گرفته‌اند.



۱



این راه فقط با اخلاص طی شدنی است

اولین مسأله [در زندگی امام] این است که آن بزرگوار، همه‌ی کارهای خود را برای خدا انجام می‌داد و شاید فتح دل‌های آحاد امت اسلامی در سراسر عالم - با اختلاف سلیقه و مسلک‌ها و تربیتها و مؤثرات - که بدون هیچ تفاوتی، در مقابل عظمت و راه و پیام او، طوع و تسلیم بودند و همراهی نشان دادند، ناشی از اخلاص آن بزرگوار بود. او برای خدا حرف می‌زد، برای خدا اقدام می‌کرد، برای خدا قهر می‌کرد، برای خدا حمایت می‌کرد و حاضر بود نپسندیدن آحاد مردمی را برای خدا تحمل کند و تنها بماند و حرکت نماید. اخلاص او، نقطه‌ی اساسی حیاتش بود. راه آن بزرگوار هم، فقط با اخلاص طی شدنی است. توده‌های مردم، بحمدالله این اخلاص را دارند و نشان داده‌اند. ۶۹/۳/۱۶

۲

درک حقایق عالم با حکمت خدادادی

امام بزرگوار ما حکیم بود. امام یک حکیم به معنای قرآنی بود. حکیم یعنی آن کسی که حقائق را مشاهده می‌کند که از چشم‌های دیگران مغفول عنه است؛ پوشیده است. کلمات او، کلماتی ممکن است ساده به نظر بیاید، اما هر چه می‌شکافید، می‌بینید لایه‌ها و عمق‌های بیشتری دارد. امام ابن‌جوری بود. ۸۷/۲/۲۱ يك وقت در اوایل انقلاب - شاید سال ۶۰ یا ۶۱ بود - در حال استعجاب و حیرت از يك برخورد امام در حادثه‌ای - که الان یادم نیست آن حادثه چه بود - ناگهان به ذهنم رسید که عجب! این همان حکمتی است که ما در قرآن خوانده‌ایم! امام، واقعاً حکیم بودند. انسان خیال می‌کرد مثل این که عالم وجود، کف دست ایشان است. یعنی مسائل و حقایقی که انسان باید با هزار زحمت و با راهنمایی می‌فهمید، مثل این که برای امام روشن بود. این، حکمت است. حکمت، از جمله نعمت‌هایی است که خدا باید به انسان بدهد: «یُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ.» خدا حکمت را به هر کس بخواهد می‌دهد.

۷۳/۳/۴

خدای خواست بگوید با این شخصیت کار دارم

پس از تشییع باشکوه و تاریخی امام راحل، مردمی که با آن شور و حرارت، امام فقید خود را بدرقه کرده بودند، با همان اشتیاق به استقبال خلف صالح او رفتند. از همان روزهای نخست پس از انتخاب آیت الله خامنه‌ای به رهبری، میلیون‌ها نفر از مردم سراسر کشور دست به راهپیمایی‌های باشکوهی زدند؛ عکس رهبر خود را به دست گرفتند و با سردادن شعارهایی در حمایت از ایشان بر پیروی قاطع از رهبر جدید انقلاب، تأکید و بیعت کردند. علاوه بر این گروه‌های منتخبی از استان‌های مختلف کشور نیز برای دیدار و بیعت با رهبری عازم تهران شدند و ده‌ها مراسم عمومی بیعت با حضور و سخنرانی آیت الله خامنه‌ای برگزار شد؛ سخنرانی‌هایی که سراسر رنگ و بوی امام و تأکید بر ادامه‌ی راه امام داشت. در یکی از این دیدارها که به بیعت مردم و نخبگان همدان اختصاص داشت، آقای سید ابوالحسن موسوی همدانی حادثه‌ی ترور حضرت آیت الله خامنه‌ای را یادآوری کرد و خطاب به رهبر انقلاب گفت: «خدا عنایتی دارد در مسجد ابودر که آن حادثه برای جنابعالی رخ داد و خدا شما را حفظ کرد و برای خاطر اینکه افتخار شهید زنده بودن را هم به دست بیاورید و در ردیف جانبازان و هم‌رنگ و هم‌سوی آنها باشید، آسیبی به شما وارد شد، ولی خدا شما را حفظ کرد. می‌خواهد بگوید من کار دارم با این شخصیت، در آینده من کار دارم... (إن الذین یبایعونک انما یبایعون الله)؛ بیعت با شما بیعت با امام است، بیعت با امام زمان است، بیعت با رسول الله است، بیعت با خداست.»

منبع: کتاب روایت رهبری، صفحه ۵۸

چرا امام به پیروزی انقلاب مطمئن بود؟

معمولاً در پدیده‌هایی که انسان مشاهده می‌کند که تبلیغاتی برای آن انجام نگرفته لکن ناگهان یک پدیده‌ای در محیط دید انسان بروز می‌کند، دست خدایی مشهودتر از همه جای دیگر است؛ یک نمونه‌اش خود انقلاب اسلامی [است]... همان شعاری که مردم در تهران می‌دادند، در فلان روستا در دور دست هم که مردم راه پیمایی می‌کردند، همان شعار را می‌دادند. لذا امام آن وقت - آن‌طور که به ما اطلاع دادند - فرموده بودند این انقلاب پیروز خواهد شد، چون نشانه‌ی حضور دست قدرتمند الهی است. یک وقت دیگری هم به خود من ایشان فرمودند، گفتند من در طول این انقلاب یک دست قدرتی را همیشه پشت این حرکت عظیم مردمی دیدم؛ حرکت‌های مردمی این جوری است. ۹۵/۹/۳۰



شجاعت ایستادگی در مقابل دشمن

امام این ترسیدن از قدرت را به همه‌ی ما یاد داد که از قدرت‌های ظالم و زورگو ترسید. من فراموش نمی‌کنم در سال ۵۸، آن وقتی که جوان‌های ما این جاسوس‌های آمریکایی و جاسوس‌خانه‌ی آمریکایی را گرفته بودند، بعضی‌ها فشار می‌آوردند به شورای انقلاب که بگوید اینها را آزاد کنند. بنده و مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی و بنی‌صدر، ماسه‌نفر از شورای انقلاب رقتیم قم، آن وقت امام قم بودند، رقتیم خدمت امام که از امام پیرسیم چه چه کار کنیم. پرسیدیم که آقا این جوری است، فشار می‌آوردند که اینها را هر چه زودتر آزاد کنید؛ امام رو کردند به ما و گفتند که از آمریکای ترسید؟ بنده عرض کردم نخیر نمی‌ترسیم، گفتند پس نمی‌خواهد آزادشان کنید. ۹۹/۲/۶

پنج برش از زندگی امام خمینی به روایت رهبر انقلاب

خلاصه وصیت سی صفحه‌ای امام در این یک جمله است

«امام خمینی مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد؛ امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شده است.» (۹۴/۳/۱۴ نشریه‌ی خط حزب الله در استان‌های سالگرد ارتحال بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه‌الله پنج برش از زندگی ایشان به روایت آیت الله خامنه‌ای را مرور کرده است.)



تواضع در مقابل تعریف و تمجیدها

شبی در یک جلسه‌ی خصوصی، با دوسه نفر از دوستان، منزل مرحوم حاج احمد آقا نشسته بودیم؛ ایشان هم نشسته بود. یکی از ما گفتیم: آقا شما مقامات معنوی دارید، مقامات عرفانی دارید؛ چند جمله‌ای ما را نصیحت و هدایت کنید. آن مرد با عظمتی که آن‌گونه اهل معنا و اهل سلوک بود، در مقابل این جمله ستایش‌گونه کوتاه یک شاگردش - که البته همه ما مثل شاگردان و مثل فرزندان امام بودیم؛ رفتار ما مثل فرزند در مقابل پدر بود - آن چنان در حال حیا و شرمندگی و تواضع فرو رفت که اثر آن در رفتار و جسم و کیفیت نشستن او محسوس شد! در حقیقت ما شرمنده شدیم که این حرف‌ها را زدیم که موجب حیا‌ی امام شد. آن مرد شجاع و آن نیروی عظیم، در قضایای عاطفی و معنوی، این‌گونه متواضع و باحیا بود. ۷۸/۳/۱۴

خلاصه وصیت سی صفحه‌ای امام

بهار سال ۱۳۶۵ را - روزی که امام (ع) در بستر بیماری بودند - فراموش نمی‌کنم. ایشان دچار ناخاری قلبی شده بودند و تقریباً ده، پانزده روزی در بستر بیماری بودند... آقای حاج احمد آقا به من تلفن کردند و گفتند سریعاً به آن جا بیاید؛ فهمیدم که برای امام (ع) مسأله‌ای رخ داده است. آن‌وقت حرکت کردم و پس از چند ساعت طی مسیر، خود را به تهران رساندم... وقتی که من رسیدم، ایشان انتظار آمدگی برای بروز احتمالی حادثه را داشتند. بنابراین، مهم‌ترین حرفی که در ذهن ایشان بود، قاعدتاً می‌باید در آن لحظه حساس به ما می‌گفتند. ایشان گفتند: قوی باشید، احساس ضعف نکنید، به خدا متکی باشید، اشدّاء علی الکفار باشید و رحماء بینهام؛ و اگر با هم بودید، هیچ‌کس نمی‌تواند به شما آسیبی برساند. به نظر من، وصیت سی صفحه‌ای امام (ره) می‌تواند در همین چند جمله خلاصه شود. ۶۸/۴/۱۲

از آینده انقلاب نگران نیستم اما...

من به سهم خودم هیچ نگرانی ندارم راجع به انقلاب. انقلاب راه خودش را پیدا کرده و به پیش می‌رود و بستگی به وجود هیچ کس هم ندارد. این انقلاب ان شاء الله محفوظ می‌ماند و آسیبی از خارج به او نخواهد رسید؛ لکن آن چیزی که انسان را یک قدری نگران می‌کند... این است که من خوف این را دارم که آنها [مردم] برای خاطر ما و شنیدن حرف ما به بهشت بروند و ما برای خاطر اینکه خودمان مذهب نبودیم به جهنم. و آن خوف زیادی که من دارم این است که ما روبرو بشویم با آنها، ما در جهنم باشیم، آنها در بهشت باشند و اشراف به ما پیدا کنند. و این خجالت را انسان کجا ببرد که اینها برای خاطر ما به آن مقامات رسیده‌اند و ما برای خاطر هواهای نفسانی به این درجه‌ی سُفلی. این یک خوفی است که بسیاری از اوقات من متذکرش هستم. ● ۶۲/۴/۲۸



با تخریب و اهانت، فضای گفتگو را مسدود نکنید

مسائل و روشن شدن مسائل نیست، هدفشان تخریب کردن است... من خواهش می‌کنم که فضای گفتگو را مسدود نکنید؛ یعنی وقتی که بحث تخریب و اهانت و بدگویی و مانند اینها پیش آمد، طبعاً فضای گفتگو مسدود می‌شود؛ نگذارید که این جوری بشود. مستدل و با منطق صحبت بکنید. البته ممکن است بعضی از حرفها تند باشد؛ اشکالی هم ندارد؛ حرف تند زدن منافات ندارد با اینکه در آن، پرخاش و اهانت و مانند این چیزها وجود نداشته باشد. ● ۹۹/۲/۲۸

گاهی اوقات مسئولین می‌آیند در دانشگاه‌ها یا در مجامع دانشجویی و مجامع جوانی شرکت می‌کنند برای گفت و شنود لکن تخریب می‌شوند. اینکه شما حالا اعتراض کردید که فلانی و فلانی و فلانی نیامدند در محیط دانشگاهی با اینکه دعوت شدند، بله، بنده هم مکرر به مسئولین توصیه کرده‌ام که بروند با [دانشجویان در] دانشگاه‌ها صحبت کنند... منتها آنها در جواب می‌گویند که وقتی ما می‌رویم، هدف این جوان‌هایی که آنجا جمع می‌شوند، فهمیدن

عکس نوشت



مراسم وداع و تشییع پیکر امام خمینی (ره) در مصلاي تهران ايانزدهم خرداد ۱۳۶۸

ما مرده بودیم؛ امام ما را زنده کرد

ما حقیقتاً مرده بودیم؛ امام (ره) ما را زنده کرد. ما همراه بودیم؛ او ما را هدایت کرد. ما از وظایف بزرگ انسان و مسلمان غافل بودیم؛ او ما را بیدار کرد و راه را به ما نشان داد و دست ما را گرفت و ما را تشییع نمود و خودش هم جلوتر از همه حرکت کرد. خدا را شکر می‌کنیم که با همه‌ی وجودمان سخن او را باور کردیم و پشت سر او حرکت کردیم و متوقف نشدیم و در نیمه‌ی راه او را هان نکردیم. ● ۶۸/۴/۱۹

خبر هفته

دست‌نوشته رهبر انقلاب از ملاقات با امام خمینی (ره) در بیمارستان:

وقتی نیمی از قلب امام از کار افتاده بود...

هم خوبم. بعد روزه هاشمی که پرسیده است آیا چیز فوق العاده‌ئی هست؟ بالحن رضامند و محکم می‌گوید: هیچ چیز نیست غیر از پیری، و نسبت به همسن‌های خود خیلی خوبم؛ آن‌ها بعضی زیر خاک‌اند و بعضی در خانه‌ی خود خوابیده‌اند. از اوضاع جاری و جنگ مسئولانه می‌پرسد و به جواب‌ها با دقت گوش می‌دهد. سمینار دیروز را گفتم. معلوم شد خبرهای آن را از رادیو شنیده و در جریان است. این روح بزرگ، این انسان فوق العاده، این دل مطمئن و متوکل و این عقل قوی و راسخ در همه‌ی حالات خود حتی در هنگامیکه نیمی از قلب او از کار افتاده است، با همه‌ی شخصیتش زندگی می‌کند: ((زُهْبَانُ اللَّیْلِ وَاسْدَانُ النَّهَارِ)). ●

پنجشنبه: ۱۴ فروردین ۱۳۶۵ | امروز به زیارت امام رفته‌ام؛ آقای هاشمی را خبر کردم و با هم رفتیم. امام عزیز هنوز اجازه‌ی فرود آمدن از تخت را ندارد. به دست‌های او - هر یک - چیزی از سُرْم و باتری وصل است. دست چپ امام را که بخاطر ترک برداشتن سرانگشتان، در دستکش سفیدی پوشیده بود مشتاقانه بوسه زدم. چهره‌ی خندان و مهربانش اندکی خسته و بیمارگونه است اما سعی می‌کند نشانه‌ئی از افسردگی در آن نباشد. بلافاصله خطاب به من می‌گوید: از شما تقلید می‌کنم (دست دادن با چپ)؛ من گفتم: بحمد الله حالتان خیلی خوب است. بالحنی که می‌نماید به این اهمیت نمی‌دهد می‌گوید: شما خوب باشید من

خانواده ایرانی

اول کسی که نقش زنان را فهمید امام بود

من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که این نقش [ممتاز زنان] را فهمید، امام بزرگوار ما بود - مثل خیلی چیزهای دیگری که اول او فهمید، در حالی که هیچکدام از ماها نمی‌فهمیدیم - همچنان که امام نقش مرد را فهمید... امام در زمینه‌ی زن هم همین جور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ و الا بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگویم که داشتیم، که اصلاً زن‌ها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند آنها می‌گفتند زن‌ها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه می‌داد، خاطر جمع می‌شد، تا بتواند در مقابل این جور نظراتی که از مرکز مهمی هم ارائه می‌شد، بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. ● ۹۰/۱۰/۱۴

درس اخلاق

همیشه می‌گفت هر چه هست از خداست

همه‌ی اینها را امام از عمل به دین، از پایبندی به دین، از تقوا و از مطیع امر خدا بودن داشت. خود او هم بارها این مضمون را در گونه‌گونه‌ی کلمات خود بر زبان می‌آورد و بیان می‌کرد: هر چه هست، از خداست. او همه چیز را از خدا می‌دانست؛ هضم در اراده‌ی خدا بود؛ حل در حکم الهی بود؛ انقلاب را خدا پیروز کرد؛ خرمشهر را خدا آزاد کرد؛ دل‌های مردم را خدا جمع کرد. او همه چیز را از منظر الهی می‌دید و عامل به احکام بود؛ خدای متعال هم درهای رحمت را به روی او باز کرد. ● ۷۸/۳/۱۴